

زبانی که امام صدر برای بیان ابعاد قیام عاشورا برمی‌گزیند

سعید رضوی فقیه، روزنامه نگار

سفر شهادت عنوان مجموعه‌ای از گفتارها و نوشتارهای کوتاه امام موسی صدر است به مناسبت روز عاشورا و نبرد نابرابر میان گروه اندک همراهان امام حسین(ع) با سپاه گسیل شده از سوی ابن زیاد والی وقت کوفه در سرآغاز سال شصت و یک هجری قمری.

گفتارها و نوشتارهای این مجموعه همگی در سال‌های پر تب و تاب حضور امام صدر در لبنان و به زبان عربی بر زبان و قلمش جاری شده‌اند و هم از این‌رو، به همت موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر به فارسی ترجمه و سپس، نشر شده است تا برای فارسی‌زبانان زادبوم صاحب اثر نیز قابل استفاده باشد و مترجمان محترم نیز به خوبی از پس فارسی‌گردانی خطابه‌ها و پیام‌ها برآمده و حق مطلب را ادا کرده‌اند.

از هفده بخش کتاب، دو بخش آن پیام‌های عمومی آقای صدر خطاب به ملت لبنان، بمناسبت تقارن ایام شهادت امام حسین با ایام ولادت حضرت مسیح علیهما السلام و در آستانه حلول سال‌های ۷۷ و ۷۸ میلادی است. بخش سیزدهم (شهادت، چشمه جوشان تحول) نیز ظاهراً و با توجه به سیاق مطلب یادداشت کوتاه مکتوبی است؛ اما چهارده بخش دیگر همگی خطابه‌هایی است که در مراسم سنتی بزرگداشت و تعزیت بزرگ مسافر سفر بی‌بازگشت شهادت، یعنی امام حسین علیه السلام، و در مجامع عام یا خاص شیعیان لبنان در دهه پنجاه شمسی ایراد شده است.

بنابراین، طبیعی است که در مجموعه خطابه‌های چهارده‌گانه اولاً تکرار برخی مطالب مشاهده شود و ثانیاً هر خطابه صرفاً حاوی اشاراتی گذرا به تحلیل‌ها و تبیین‌های اجتماعی و تاریخی و روانشناختی و درس‌آموزی‌های اخلاقی و تربیتی و نیز دعوت‌ها و درخواست‌ها و هشدارهای سیاسی باشد.

امام موسی صدر با تکیه به هوش و پشتکاری زبان‌زد در آموزش و پژوهش (چنانکه از بسیاری همگنانش شنیده شده است و از رهگذر دقت در گفتارها و نوشتارهایش نیز قابل استنباط است) علی‌القاعده سخن‌های شنیدنی بسیار در تبیین رخداد عاشورا از منظرهای جامعه‌شناسانه،

روانشناسانه و تاریخ پژوهانه داشته است. سخن‌هایی که جای به‌جای در همین مجموعه خطابه‌ها با مخاطبان عام نیز ردی از آنها را می‌توان یافت و دید.

با این همه به نظر می‌رسد موسی صدر دین‌شناس و پژوهشگر در زمان و مکان و موقعیتی خاص به ناچار زبانی را برای بیان ابعاد رخداد قیام امام حسین علیه السلام انتخاب کرده که حاوی بیشترین تأثیرگذاری در کمترین زمان ممکن برای یک خطابه معمول باشد و از همین‌رو، به جای عرضه پژوهش‌های آکادمیک یا حتی خطابه‌های دانشگاهی پسند، نظیر سخنرانی‌های پر مغز و پر شور دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد، معانی مورد نظر خویش را در قالب خطابه‌های کوتاه و مناسب با منابر مساجد و تکایای شیعیان محروم لبنان در حدود نیم قرن پیش تنظیم کرد. امری که در آن فضا و برای آن ترکیب از مخاطبان مؤثرتر و مفیدتر بوده است.

شاید اگر امام صدر در نیمه دوم دهه چهل و نیمه نخست دهه پنجاه، فرصت آن‌را می‌یافت تا در حسینیه ارشاد برای دانشجویان و دانشوران مشتاق خطابه‌های چند ساعته ایراد کند و دین را با معرفت زمانه تفسیر کند، انبان اندیشه‌های دینی نسل‌های ایرانی زیسته در آن سال‌ها بسیار پربارتر از این می‌شد که بود و هست، اما در این صورت لبنان با خلای بزرگ دست به گریبان باقی می‌ماند.

مهاجرت آقای صدر به لبنان و رهبری جامعه شیعیان آن دیار شاکله رسالتی دیگر را برای وی رقم زده بود. مجموعه نقش‌ها و مسئولیت‌های حساس و پرشماری که آنجا بر عهده داشت از یک سو و موقعیت پیچیده و پر تنش و بحران جامعه متکثر لبنان از سوی دیگر، سید موسی صدر را در جایگاه امام صدر قرار داده بود که می‌بایست با طوایف و احزاب و دولت لبنان در تعاملی ظریف باشد و این همه پیچیدگی و ظرافت را در مجاورت آتش‌افروزی تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و مجادلات و مناقشات بی‌پایان سران دولت‌های عربی مدیریت کند.

با لحاظ چنین پس‌زمینه‌ای، هر یک از خطابه‌های مجموعه مورد بررسی حاضر به گونه‌ای دیگر قابل فهم، دریافت و تفسیر می‌شود. و ای کاش، تدوین‌کنندگان اثر در ذیل هر گفتار اشارتی هر چند گذرا به موقعیت زمانی و مکانی آن سخنرانی می‌کردند تا کشف رمزهای سخنان دردمندانه آقای صدر پس از چهار دهه و بیشتر برای خوانندگان امروز نیز سهل و ممکن شود. خوانندگانی که چه بسا از جنگ‌های داخلی لبنان و اختلافات کشورهای عربی و نیز وضعیت پرونده فلسطین در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی درکی عمیق و اطلاعاتی دقیق ندارند.

همین فقره، ارزش ویژه خطابه‌های مجموعه سفر شهادت را به‌رغم تکرار مطالب و اختصار اشارات گذرا در باب تبیین و تحلیل علمی واقعه طف، در چشم جویندگان تیزبین حفظ می‌کند و بالا می‌برد. در واقع، از این منظر، کتاب سفر شهادت به سند یا مجموعه‌ای از اسناد تاریخی بدل می‌شود که برای پژوهشگر موشکاف، خود از لابلای هر سطر آن و از خلال هر واژه گفته یا حتی مسکوت آن بسیاری از حقایق پنهان در زیر غبار فراموشی را آشکار می‌کند.

دشواری کار امام صدر آنجاست که باید قرائت و روایتی از عاشورا به مخاطبان شیعه مذهب خود عرضه کند که؛ حافظ هویت فرقه‌ای؛ ضامن حریت دینی و انسانی؛ و تأمین‌کننده وحدت و همبستگی ملی برای ایشان و دیگر شهروندان لبنانی؛ و هم پشتوانه‌های تاریخی را نگه دارد و دریچه‌هایی باز به روی فردا بگشاید. در ضمن، به آرامش روح و تزکیه باطن در حیات فردی کمک کند و هم حس مسئولیت اجتماعی را برانگیزد.

تجمیع این کارکردهای پیچیده و تو در تو در خطابه‌ای مذهبی، در زمانی اندک، بر فراز منبری سنتی در مسجد یا حسینیه، در میان مخاطبانی با سطوح متفاوت معرفت دینی و اطلاعات سیاسی و اجتماعی کار ساده‌ای نیست. کسانی که با نهاد منبر و وعظ و خطابه آشنا نیستند به خوبی متوجه ظرافت‌ها و دشواری‌های چنین کاری هستند.

در این مسیر لغزشگاه‌های بسیاری هست. گاه خطیب برای برانگیختن عواطف دینی مخاطب جهل می‌پراکند یا بذر اختلافات فرقه‌ای و طایفه‌ای می‌افشاند یا غبار تخدیر و مسئولیت‌گریزی می‌پاشد؛ تجربه‌ای که سال‌ها و دهه‌ها و بلکه قرن‌هاست در مساجد و تکایای ما تکرار می‌شود. امام موسی صدر اما در این خطابه‌ها که بر فراز منابر در اوضاعی به شدت ملتهب و در فرصتی اندک ایراد شده، به فصاحت و بلاغت و به کوتاهی و گویایی، در حد وسع و توان خویش، به رساندن پیام مورد نظر به مخاطبان توفیق یافته است.

نشان این کامیابی را می‌توان لبنان امروز دانست که مدارا و مسالمت جویی را تا حد زیادی وامدار شکیبایی، شرح صدر، وسعت مشرب، دور اندیشی و نیک‌خواهی جامع و بی‌تبعیض امام موسی صدر است.